

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Reports

گزارشها

گزارشگران پورتال - افغانستان
۲۴ اپریل ۲۰۱۷

در افغانستان چه می گذرد ؟ ۳۵۵

در واکنش به کشته شدن دو والی طالبان در ولایت های شمالی، حمله طالبان بر قول اردوی شاهین در ولایت بلخ، جوی خون جاری ساخت. در این حمله نزدیک به ۲۰۰ سرباز و افسر اردو کشته شده و بیش از ۸۰ تن دیگر زخمی گردیدند. به گفته نیویارک تایمز، شهر حتی با کمبود تابوت مواجه شد! این حمله بار دیگر با وضاحت نشان داد که رهبری



نیروهای امنیتی حکومت وحشت ملی در دست کسانی قرار دارد که حتی توانائی اداره یک جنگ کوچک استخباراتی را نیز ندارند، چه رسد به این که با گروه بزرگی از مخالفان خود درگیر جنگ باشند. رهبری کنونی نیروهای امنیتی در چنان فساد گسترده غرق است که بوی رسوائی آن سالهاست در رسانه ها مشام همه را آزرده است و این فساد گسترده باعث گردیده است تا همه روزه ده ها سرباز فقیر جان شان را از دست بدهند.

کشته شدن این همه سرباز در گام نخست نشاندهنده موجودیت جاسوسان مختلف در دستگاه های

امنیتی است که با استفاده از ضعف مدیریت به آسانی می توانند خود را حتا به محلاتی برسانند که به شدت از آنها حافظت می شود. از سوی دیگر کسانی از سوی مقامات حکومت وحشت ملی در چنین اداراتی به کار گماشته شده اند

که نه از اهلیت برخوردار اند و نه شایستگی چنین کاری را دارند، اما به علت تعلقات حزبی، سمتی و زبانی در چنین پست های حساسی با جان سربازان بازی می کنند. اگر به قضیه به گونه سرسری نگریسته شود، درست است که اینان در خدمت نظامی قرار دارند که در عین حال دشمن توده های پابرنه است، اما نباید فراموش کرد که تمام اینان در حقیقت کارگرانی اند که به علت بیکاری وافر در داخل کشور و فقر بی پایان جذب نیروهای امنیتی می شوند و در نهایت با فدا کردن جان شان، خانواده هائی را به ماتم می نشانند چون همین افراد اکثراً تنها نان آور خانه های خود هستند. بسیاری از این سربازان ماه ها اجازه رفتن به خانه های شان را ندارند و باید در بدل پولی که به دست می آورند، مانند کارگر کار کنند و اگر تقدیر با آنان یاری کرد، دوباره زنده به آغوش خانواده باز خواهند گشت در غیر آن با سرنوشتی از نوع حادثه خونین قول اردوی شاهین روبه رو می شوند.

کشتار بیرحمانه این همه سرباز توسط طالبان، در واقعیت امر به ماتم نشانندن صدها خانواده ایست که فقر آنان را مجبور به فرستادن پسران نوجوان و جوان شان به صفوف نیروهای امنیتی می سازد. بسیاری از این خانواده ها حتا از عواقب این کار نیز با خبر اند، اما با تمام اینها ناچارند که به چنین کاری تن دهند. بسیاری از این سربازان ماه ها معاش ماهانه خود را نیز دریافت نمی کنند، سالی یک یا دو بار قادر به بازدید از خانواده خود می شوند، در خطرناکترین و بدترین شرایط زندگی می کنند و حتا بعد از کشته شدن به اجساد آنان نیز از سوی مقامات فاسد، خاین، جاهل و پوشالی بی حرمتی صورت می گیرد.

همانطوری که کارگر صنعتی، چرخ سرمایه را به گردش در می آورد، اینان نیز به عنوان کارگران نظامی در خدمت به گردش در آوردن نظام پوشالی قرار دارند که هیچ راه فراری در پیش رو و عقب ندارند. یا باید خانواده های شان از فقر و ناداری بمیرند و یا خود شان جان دهند تا خانواده های شان زنده بمانند. این دردناکترین رخ این قضیه به حساب می آید.

رخ دردناکی که برخاسته از ناتوانی جنبش انقلابی در سمندھی، بسیج و سازماندهی توده های میلیونی کشور من جمله چنین افرادی در مسیر دفاع از آزادی ملی، رفاه و ترقی اجتماعی شده، مانع از آن گردد تا خون فرزندان خلق، در جهت تحکیم مناسبات استعماری بریزد.